

هنر داستان نویسی و سیمین دانشور

پرفسور دکتر محمد ناصر

عضو هیأت علمی گروه فارسی، دانشکده خاورشناسی

دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان

چکیده:

داستان کوتاه در عرصه ادبیات دارای جایگاه برجسته ای است، و نه تنها از عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می گیرد بلکه نهضت‌های ادبی تشکیل شده در دوره های مختلف و گرایش‌های سیاسی را نیز بازتاب می دهد. داستان کوتاه، در واقع قصه، حکایت یا داستانی است که حتی در زمان قدیم در میان مردم عامه مروج بوده، قبولیت خاصی داشته، و از این نظر از قدیمترین اسالیب نگارش ادبی است. امکان دارد که قصه گویی یا داستان نویسی دارای جنبه های مثبت یا منفی باشد، یعنی ممکن است قصه ای را برای وقت گذرانی گفته شود، و نیز می توان توسط يك داستان در ذهن خواننده یا شنونده آگاهی و احساس مسئولیت به وجود آورد. اگر غزل را مهمترین و زیبا ترین قالب شعری بنامیم، باید پذیرفت که داستان کوتاه نقطه اوج آثار منثور ادبی است. کتابهای آسمانی دسته ای از منابع به شمار می روند که داستان یا داستان کوتاه و روایت یا روایت‌های تاریخی در آنها ذکر شده است. در مقاله حاضر هنر داستان نویسی کوتاه با توجه به بررسی سه مجموعه داستانهای کوتاه سیمین دانشور مورد بررسی علمی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: ادب جهانی، ادب فارسی، قرن بیستم، داستان کوتاه، سیمین دانشور

افسانه های عامیانه، نه تنها از جهت موضوع و معنا، بلکه از نظر شیوه بیان نیز شباهت تمام دارند. در بسیاری از آنها مختصات انشایی با اندک تفاوت یکسان است. مطالعه مجموعه های مختلف از قصه های عامیانه اقوام جهان این نکته جالب و شگفت انگیز را روشنتر می سازد. "افسانه هایی نیز هست که در آنها بیان اندرزها و حکمت های اخلاقی عامیانه منظور است؛ می خواهند رسم و راه زندگی را به کودکان و جوانان بیاموزند، می خواهند نیکی را در نظر آنها بیارایند، و بدی را زشت و مکروه جلوه دهند. نظر به تعلیم راه و رسم خردمندی و نیکی و پارسایی دارند، و شك نیست که این گونه افسانه ها، از جهت زمان باید از افسانه های دیو و پری تازه تر باشند." (زرینکوب، ۲۴۲)

در ایران سنت قصه گویی بسیار قدیم است، اما نویسندگان ایرانی در تقلید ادبیات غرب، در قرن بیستم میلادی به نوشتن داستانهای کوتاه پرداختند. پس می توان گفت که "داستان کوتاه به شکل و الگوی امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرد. اولین بار، "ادگار آلن پو" (۱۸۰۹-۱۸۴۹م)، نویسنده آمریکایی، در سال ۱۲۲۱ ش/ ۱۸۴۲م اصول انتقادی و فنی خاصی را ارائه داد که تفاوت میان شکل های کوتاه و بلند داستان نویسی را مشخص می کرد." (تمیم داری، ۴۲) داستان کوتاه را در نیم ساعت می توان خواند، یا به نظر بعضی از منتقدان ادبی نگارشی که در يك نشست خوانده شود، داستان کوتاه است. ادگار آلن پو درباره داستان کوتاه چنین می نویسد:

"داستان کوتاه نثری است که می توان آن را در ظرف نیم ساعت یا حداکثر در يك و نیم ساعت خواند." (به نقل از سلیم اختر، ۱۶۴)

در ادبیات زبان فارسی، هنر داستان نویسی حایز اهمیت خاصی است. در زمان قدیم داستانها و قصه ها با توجه به محیط ادبی و به زبان مخصوص محلی نوشته می شد، اما با مرور زمان، داستانهای کوتاه جای قصه گویی را گرفت و گرایشهای تازه و مسایل جدید اجتماعی در آنها منعکس شدند.

”براندر ماتیوز“ (۲) (۱۸۵۲-۱۹۲۹م)، منتقد آمریکایی، و مؤلف کتاب ”فلسفه داستان کوتاه“ (۳) در سال ۱۹۰۱م اولین بار اصطلاح داستان کوتاه را به زبان انگلیسی پیشنهاد کرد، و داستان کوتاه را از داستانی که مختصر یا فشرده باشد، تفاوت قایل شد. (تمیم داری، ۴۱)

برای جستجو در داستان نویسی و داستان گویی شاید يك راه این باشد که به برخی از داستانهای معاصر توجه کنیم، یعنی توجه به داستانهایی که از يك واقعه عینی سرچشمه گرفته، سپس با تخیل و عواطف و احساسات آمیخته شده، با رنگ و لعاب ادبی به صورت داستان درآمده اند. ”داستان کوتاه، معمولاً دارای يك واقعه مرکزی یا واقعه ضمنی است که حوادث و وقایع دیگر برای تکمیل و جلوه دادن آن واقعه آورده می شوند. داستان کوتاه برشی از يك زندگی طولانی است.“ (ذوالفقاری، مقدمه، سه) نویسندگان داستان کوتاه بالعموم ارزشهای اجتماعی و جامعه ای را با دیدگاه خود بیان می کنند. در سبک داستان کوتاه تعداد زیادی از ادبای معروف شناخته شده اند. لازم به ذکر است علاوه بر داستان نویسان مرد، زنان نیز داستانهای گرانسنگ تألیف نموده و سبک ادبی داستان را تقویت داده و راههای جدید بخشیده اند. سیمین دانشور اولین زن داستان نویس فارسی در قرن چهاردهم شمسی یا بیستم میلادی است. او سه مجموعه داستانهای کوتاه نگاشت که عبارت اند از:

۱- آتش خاموش (۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م)

۲- شهری چون بهشت (۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م)

۳- به کی سلام کنم؟ (۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م)

هنگام چاپ ”آتش خاموش“ دانشور دختر جوان ۲۷ ساله ای بود. این مجموعه شانزده داستان را دربردارد که اغلب آنها بسیار کوتاه و جذاب هستند. ”در داستانهای این مجموعه، دانشور با نثری که قدرت توصیف حالتها و گوناگون آدمها در برخورد با حوادث مختلف را ندارد، به مفاهیمی ازلی و ابدی - چون عشق، مرگ و وجدان - می پردازد.“ (عابدینی، ۱۰۶)

در عین حال "آتش خاموش" نشانگر بی تجربگی او از زندگی و بی اطلاعی اش از هنر داستان نویسی است. البته یادآور می شویم که دانشور، اولین زن داستان نویس در ادبیات فارسی است که از جهت ارزش و اعتبار با برترین داستان نویسان نسل خود که همه از جنس مخالف اند، شانه به شانه می ساید و از ایشان کم نمی آورد. "او با انتشار آتش خاموش وارد عالم داستان نویسی شد. این مجموعه داستانها را باید از تلاشهای نخستین و خام نویسنده به شمار آورد." (امین، ۱۷۹) آتش خاموش در واقع سیاه مشق نویسنده است. "نویسنده در کنار داستانهایی که مایه آن از اوهنری، نویسنده آمریکایی، است، خود را امتحان می کند، و خود نیز به این موضوع معترف است." (تمیم داری، ۶۴۵)

برخی از داستانهای مجموعه "آتش خاموش"، قبلاً در روزنامه کیهان، مجله بانو و مجله امید چاپ شده بود. در این مجموعه داستانهای کوتاه او بیشتر تحت تأثیر "اوهنری" (۴) (۱۸۶۲-۱۹۱۰م)، نویسنده آمریکایی، است. اوهنری داستانهای لطیفه وار "گی دو موپاسان" (۵) (۱۸۵۰-۱۸۹۳م)، نویسنده فرانسوی، را توسعه و تکامل داده و به آن شیوه جنبه مفرح و طنز آمیز بخشیده است. داستانهای لطیفه وار کوتاه او که پایان آنها همیشه برخلاف انتظار است، معنای عمیقی ندارد، اما از نظر خوش ساختی و گیرایی، شاهکار داستان نویسی به شمار می رود.

"شهری چون بهشت" دومین مجموعه داستانهای کوتاه دانشور مشتمل بر ده داستان است. در این مجموعه هم نویسنده نقش و جایگاه زن ایرانی را ذکر کرده است. البته در این مجموعه فکر گذشت زمان معنای عمیقی دارد، و لحظه موجود اولین ارجحیت مؤلف می باشد، و در اغلب داستانها زندگی عادی زنان و کودکان و موضوعاتی همچون مرگ، فقر، جهل و بیسوادی مشاهده می شود. دانشور همچنان تحت تأثیر اوهنری است. داستانهای او هنوز در نثر دارای شکستگی است، اما به دلیل اینکه زاویه دید

ژرف و متفاوت است، این شکستگیها بارز نیست.

هر اثر ادبی يك نویسنده هرگز بحد کمال نمی رسد، و حتماً کاستیها را همراه دارد. ولی بتدریج سبك نگارش، ویژگیهای فنی و فکری رشد می کند و آثارش پخته تر و زیباتر می شود. ”در مجموعه شهری چون بهشت تنوع و گوناگونی موضوعات و شخصیتهای داستانی درخور توجه است. اما این تنوع و گوناگونی با پرورش و تکوین کافی آنها همراه نیست.“ (میر صادقی، ۶۴۶)

سومین مجموعه داستان ”به کی سلام کنم؟“ شامل ده داستان است. خود عنوان این مجموعه با تمام زیبایی بیانگر لاچاری و مجبوری، غم و الم، درد و اندوه، رنج و اذیت، کرب و تنهایی شخصی نویسنده و بی ثباتی و فناپذیری دنیاست. اغلبداستانهای این مجموعه بازهم درباره مسایل زنان و مشکلات کودکان است. در کلیه داستانهای این مجموعه، نویسنده غیر از ابلاغ فکر و اندیشه، ویژگیهای روانی شخصیت خود را نیز منعکس کرده، و بُعد ذهنی و روانشناسی را با احساساتی مورد بررسی قرار داده است. زنان این مجموعه با وجود مسایل و مشکلات، نسبت به زندگی خوش بین و امیدوار هستند. دانشور احساسات و عواطف و مسایل روانی زنان ایرانی را به نحوی بیان می کند که وضعیت و موقعیت آنها هیچ لطمه نخورد. ”اغلب داستانهای این مجموعه، به مسایل سیاسی و اجتماعی و اختناق حاکم بر ایران اختصاص داده شده است.“ (میر صادقی، ۶۴۷) ”داستانهای این کتاب در دهه ۱۳۵۰ ش نوشته شدند و مثل بسیاری از آثار ادبی این دوره، اعتراض به خفقان سیاسی و انتقاد از خود باختگی زنان در روند مدرنیزاسیون (تجددگرایی) تحمیلی بُن مایه آنها را تشکیل می دهد.“ (عابدینی، ۱۱۳)

سیمین دانشور از حیث داستان نویسی شایسته تقدیر و تمجید است. داستانهای کوتاه وی بهترین نمونه بازتاب طبیعت و جبلت انسانی هستند. افزون بر آن او تحت تأثیر جریانهای

ادبی و گرایشهای سیاسی و نهضت‌های بین‌المللی نیز دیده می‌شود. دانشور در ردیف نویسندگانی به شمار می‌آید که روانشناسی قشرهای مختلف جامعه و مشکلات را موضوع اساسی سخنان خود قرار داده‌اند. او مسایل زنان، کیفیات ذهنی، عواطف و احساساتی را بیان کرده است که بالعموم از آنها صرف نظر می‌شود. او می‌اندیشد که زهر نآسودگی نه فقط شخصیت انسان را خورد می‌کند، بلکه به روح انسانی نیز لطمه می‌زند. حساسیت وی نسبت به وضع و خیم اجتماعی در اغلب نوشته‌هایش کاملاً مشخص است.

می‌دانیم که هر داستان برای نویسنده یک تجربه تازه‌ای است. او تلاش دارد هر بار با استفاده از مطالعه دقیق و با عمق فکر، یک شخصیت جالب و تازه‌ای را موضوع اثر خود قرار دهد، و طبق نیاز خود منزل و هدف را تعیین کند. هر داستان مبنی بر قصه‌ای می‌باشد که مهمترین عنصر یک داستان را تشکیل می‌دهد. بدون طرح قصه نویسنده نمی‌تواند افکار و نظرات خود را انتقال دهد. ”درحقیقت قصه وسیله‌ای است برای طراحی و بحث مسایلی که با فلسفه و اخلاق و مذهب و دیانت ارتباط دارد.“ (پهلوی، ۱۴۹)

در داستانهای دانشور مسایل و مشکلات مردم قشر پایین جامعه ایرانی بوضوح مطرح است. می‌دانیم که موفقیت داستان منحصر به این است که داستان نویس قصه را به گونه‌ای بیان کند که شنونده یا خواننده از همان سرآغاز داستان در محیط مطلوب جذب شود. دانشور نیز تلاش دارد برای برقراری علاقه خواننده قصه را چنین بیان کند که خواننده بعد از ظهور یک واقعه، منتظر حوادث دیگری می‌شود و علاقه‌اش لحظه به لحظه افزایش یابد.

سبک نگارش در داستان نویسی اهمیت خاصی دارد. نقش شخصیتها، تنظیم واقعه‌ها، یا بیان منظره‌ای همه اعتبار دارند. تا وقتی که داستان نویس یک سبک موثر نداشته باشد، داستان وی جذاب و تأثیرگذار نخواهد بود. به همین دلیل موضوع و روش بیان باید هماهنگ باشد. ”ساخت گرای(۶) یک شیوه روشن است و سخن آن این است که هر جز یا پدیده در ارتباط با یک کل بررسی شود، یعنی هر پدیده، جزئی از یک ساختار کلی است.“ (شمیسا، ۱۷۷)

آغاز يك داستان کوتاه خوب و موفق باید بحدی جذاب باشد که توجه خواننده را کاملاً جذب کند. در سیر تکامل يك داستان آن مرحله از همه حساستر است که داستان به نقطه اوج رسیده، و سپس به سوی انجام و پایان رهسپار می شود. اینجا در واقع استعداد خلاقیت و زرنگی نویسنده امتحان می شود که وقعات معمولی را بحدی مؤثر بیان کند که خواننده پس از فرجام داستان تا دیر بیندیشد که بالاخره چه شد؟ چرا شد؟ چگونه شد؟ پرسشهای مطرح شده در واقع برداشت يك داستان کوتاه است.

دانشور استعداد دارد که خواننده را از لحاظ فکری یا احساساتی به اوج می رساند، و همه اجزای ساختار اصلی داستان کوتاه یعنی آغاز، اوج و فرجام را بدقت در نظر دارد. "نقطه اوج داستان وقتی است که شخصیت مرکزی، معرفت و ادراکی نسبت به حقایق امور اطراف خود را پیدا می کند، و این ادراک و معرفت بر بینش و جهان بینی او تأثیر می گذارد." (میرصادقی، ۱۵۳)

فرجام داستان بسیار مهم و یادآور غم و اندوه یا خوشی و شادی است، و در بعضی داستانها، نویسنده فرجام را به خود خواننده واگذار می کند. نویسنده در ذهن خواننده تجسس و کنجکاوی را به وجود می آورد، تا او پیش از پایان داستان هیچ آرامش نگیرد. موفقیت يك داستان کوتاه منحصر به اختتام جذاب و فرجام مؤثر است. در جمله های پایانی، انجام داستان پنهان است، و طلسم ایجاز و اختصار هم در جملات آخر می گنجد، تا شخصیتها و نقشها بسرعت در ذهن خواننده جایگزین شوند.

اصالت زمان در هر نوشته جزو لازم است. "زمان در مناسبات ساختار نقش تجدید کننده را دارد. کرانه های ساختار را به محدوده ای از زمان مشخص و یا نامشخص منحصر می کند. این اصل باعث می شود که نویسنده دائماً کنشها و نشانه های داستان خود را به زمان ساختار ارجاع می دهد و بعد از عبور از صافی زمان در ساختار جای می دهد." (هادی، ۹۵)

اصالت مکان هم اهمیت زیادی دارد. بدون مکان نویسنده نمی تواند داستان را به سبک تحریر برساند. "مناسبات ساختاری متن از مکان نیز تأثیر می پذیرد. هیچ داستانی بدون

مکان به واقعیت نمی پیوندد.“(همو، همان، ۹۶)

دانشور به عنصر زمان بسیار تاکید می ورزد، و درباره جغرافیای شهرهای ایران مثلاً کوچه ها و پس کوچه ها، خیابانها و باغها بخوبی توضیحاتی می آورد و مناسبات مکانی، مردم ایرانی، لباس بومی، روش زندگی، مراسم و جشنواره ها، منظره های عروسی و غیرهم را با کمال مهارت بیان کرده است. ”کار هنرمند ریالیست، تنها عکسبرداری از واقعیت نیست، بلکه منشأ وجودی آن را نیز نشان می دهد. ریالیستها، انسان را موجودی اجتماعی و پرورده محیط می دانستند و به تأثیر متقابل واقعیت درونی و بیرونی اعتقاد داشتند. شخصیت‌های آثار ریالیستیها، مردم عادی اند و معمولاً تیپ خاصی از جامعه را نشان می دهند.“(روزبه، ۵۵)

در رومانیست به بُعدهای باطنی و معاملات وجدانی بیشتر اهمیت داده می شود. در این صورت در رومانیست، آمیزش رؤیایی هم دیده می شود. توسط واقع گرایی، حقیقت‌های جامع زندگی بیان می شود. دانشور به همین عقیده نظام اجتماعی را در نظر داشته، داستانها را تألیف می کند. او واقع گراست و در اغلب آثار وی ویژگیهای فنی و هنری مشاهده می شود. او صداقت‌های واقعه و حقیقت‌های اجتماعی را در نوشته های خود جای می دهد، و افزون بر آن نگاه عاقلانه و همدردی انسانی نیز دارد، و از حقایق تلخ و سنگین زندگی پرده ها برمی دارد و بنا بر این مسایل زنان و مشکلات کودکان را موضوع اغلب داستانهای خود ساخته است.

اوضاع جامعه دائماً تغییر پذیر است و حتی گاهی ارزشهای اخلاقی مثل اینکه بکلی از بین می رود، و آنگاه يك نویسنده حساس واقعیتها را درك کرده جامعه را مورد نقد و ایراد قرار می دهد، و مسایل را در قالب طنز خاطر نشان می سازد. ”طنز (۷) در لغت به معنی مسخره کردن و طعنه زدن است ولی در اصطلاح، اثر ادبی به شمار می آید که رفتار و مناسبات اخلاقی، اجتماعی، فکری و روانی فرد یا جامعه را با شیوه ای غیر مستقیم و تمسخر آلود بازگو می کند. هدف از طنز، اصلاح ناهنجاریها و نابسامانیهای فردی و جمعی است. افزون بر این، طنز، موجب انبساط روحی انسان و گسترش دید او می شود. کما اینکه برخی قدما گفته اند: مردم

اگر شوخ طبعی نکنند، گویی در زندان اند.“ (روزبه، ۱۳۲)

دانشور در بیشتر داستانهایش از طنز هم استفاده کرده است، ولی از یادمان نرود که هدف اصلی او اصلاح جامعه است، و برای نیل آمدن به همین هدف، نویسنده ما فریب کاری، خود غرضی و بی ثباتی دنیا را بشدت مورد انتقاد قرار می دهد.

به طور کلی دانشور در آثار خود به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در اجتماع توجه بیشتری می دهد، و خواب يك نظام نوین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می بیند، و همچنین صداقتهای رویدادها و حقیقتهای اجتماعی را در نوشته های خود جای داده، عکس حقیقی مسایل جامعه را ارائه می دهد. او نگاه عاقلانه و نظر خردمندانه ای دارد. واقع گرایی او نتیجه شعور درست حیات انسانی در جامعه قرن بیستم میلادی است. در داستانهای کوتاهش ترکیب مشاهده عمیق، وسعت اندیشه و رؤیای يك هنرمند واقعی پرتو می افکند.

غیر از این او در آثار خود هویت و شناخت و جایگاه زن ایرانی در جامعه خاور زمین را مورد تحلیل و تجزیه قرار می دهد، و عقیده دارد که زنان باید برای خودیابی و خودشناسی همواره بکوشند تا در این جهان مردسالاری به حقوق خود دست یابند. اما جالب است با وجودیکه نویسنده ما که درس خوانده آمریکا و همسر يك ادیب سرشناس و دختر يك خانواده باسواد است، باز هم در اغلب داستانها به ذکر توهمات دینی و مذهبی می پردازد، و عیبی در آن نمی بیند.

دومین عنصر اساسی داستان نویسی نقش شخصیتهاست. در داستان کردار نگاری چه طور صورت می پذیرد؟ روشن است که شخصیت جزو مهم داستان کوتاه می باشد، و توسط شخصیتها داستان تحول و ارتقا می پذیرد و يك صورت واحد می گیرد. برای نویسنده انتخاب شخصیتهای داستان بسیار اهمیت دارد، و لازم است فقط افرادی را که با آنها آشنایی کامل دارد، انتخاب کند، و در داستان خود جلوه نماید.

ما همه در کنار همدیگر می آییم و يك جامعه را تشکیل می دهیم، و می دانیم که

اختلاط فکر و اندیشه، و امتزاج رنگ و نژاد جامعه رنگارنگی را به وجود می آورد. در دنیای ادب، آثار نویسندگان هم به منزله يك جامعه هستند. البته باید متوجه شد که آیا شخصیت‌های آثار ادبی يك نویسنده از دنیای حقیقی دور که نیستند؟ آیا شخصیت‌ها باهمدیگر انسیت دارند؟ آیا عکس حقیقی جامعه در شخصیت‌ها منعکس می شود؟ واقعیت گرا هستند یا واهی؟ اندیشه مثبت دارند یا خیر؟ نویسنده در هدف خود تا چه حدی موفق یا مردود است؟ شخصیت‌های يك داستان مثل عروسک‌های خیمه شب بازی هستند. پس می توان پس از نقد و تحلیل علمی به نتیجه ای رسید که نویسنده چقدر با استعداد و در کار خود پیروز است. شخصیت‌های داستان‌هایش به کدام قشر جامعه تعلق دارند؟ زبان‌شان نشاندهنده چیست؟ زبان و لهجه شخصیت‌های مختلف باهم چه تفاوت‌هایی دارند؟ روش گفتگو سیاسی است یا اجتماعی؟ شخصیت‌ها از طبقه اشراف و باسواد هستند یا از قشر پایین و بیسواد؟ پولدار هستند یا فقیر؟ يك آدم باسواد دانشگاهی، همانند يك کارمند معمولی که حرف نمی زند؟ و معیار زندگی آنها چقدر متفاوت است؟

در داستان نویسی، به خاطر ایجاد ارتباط بین شخصیت‌ها و رویدادها، نویسنده از يك محرك ویژه ای كمك می گیرد. همچنین دانشور نیز سعی می کند اقلاً چند جنبه مهم شخصیت را بیان کرده جلوی چشم خواننده جلوه گر نماید، و زندگی کامل شخصیت را با رویدادها بحدی مرتبط سازد که جزو ناگسستگی محسوب شوند. او برای نجات شخصیت داستان از مشکلات و نگرانی‌ها چاره ها می اندیشد. البته بعضی وقت‌ها شخصیت‌های داستان‌هایش در عالم نشاط، سرمست و مسرور هستند که نشاندهنده تنوع و گوناگونی يك جامعه می باشند. آدم گمگشته و فرورفته در ذات خود به خود کلامی می پردازد. در طرح داستان‌های دانشور خود کلامی کردارها نقش بسیار مؤثری دارد. منظره نگاری واقعی جامعه، مسئولیت مهم يك نویسنده است، و در داستان‌های دانشور این ویژگی با کمال زیبایی به چشم می خورد.

دانشور در جزئیات نگاری بسیار هنرنمایی کرده است، و در نوشته هایش شخصیت‌ها

زنده و فعال به نظر می آیند. در بیان جزئیات شخصیت از جمله عادات و خصایل، میلانات و گرایشها بحدی عادلانه کار کرده که خواننده خیره می گردد. ”تأکید بر این موضوع که جزئیات طرح ریزی داستان همیشه از پیش تهیه نمی شود، کاملاً ضروری است. معمولاً نویسندگان به کلیات طرح داستان توجه دارند و جزئیات طرح ریزی را هنگامی انجام می دهند که داستان را می نویسند. نویسنده ای که دائماً کارش نوشتن است، ذهنی آماده برای طرح ریزی جزئیات داستان نویسی است، بنا بر این طرح ریزی جزئیات داستان بیشتر ذهنی است.“ (هادی، ۱۳۳) جزئیات نگاری در داستانهای دانشور بسیار عالی است و نویسنده ما از این مضيقه نیز بخوبی برآمده است، و خواننده هیچگاه احساس خستگی نمی کند.

نویسنده باید يك دیدگاه ویژه و نگاه خاصی داشته باشد. يك نویسنده موفق باید قدرت بیان و اسلوب محکم دارد. در يك داستان کوتاه اجتناب از اطناب، و استفاده از ایجاز و مساوات لازم است. نویسنده داستان کوتاه باید بجای فصاحت، بلاغت را به کار اندازد، و در کمترین کلمات بیشترین مطالب را ابلاغ نماید. می بینیم که زبان دانشور در اغلب داستانها بسیار ساده، روان و شیرین است و او هیچگونه تصنع و تکلف را در نوشته های خود راه نمی دهد. لازم است که مکالمه ها و شخصیتهای داستان با همدیگر مطابقت داشته باشند. ”گفتگو عمدتاً در داستان توان و تحرّک می بخشد، طرح داستان را گسترش می دهد، درو نمایه را ظاهر می سازد، عمل داستانی را به پیش می برد، و شخصیتها را از جهات گوناگون می شناساند.“ (روزبه، ۲۶) در داستانهای دانشور، شعور مکالمه به درجه اتم وجود دارد.

در ادبیات معاصر، در بیان کیفیات انسانی و حقایق، رمز یا نماد (۸) اهمیت فوق العاده ای دارد، و نویسندگان قرن بیستم در اصناف مختلف ادبی، در آثار منظوم و منثور، از کلمات رمزی استفاده کرده اند. گرایش به نماد یا رمز در ادبیات، ناگهان به وجود نیامده، بلکه در صورت پراکنده ای در دوره های قبلی نیز وجود داشته است. دانشور در نوشته های خوب خود عناصر از شعری مانند تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ضرب الامثال، جناس و سجع بفرآوان

۶۰ - محمدناصر/ هنر داستان نویسی و سیمین دانشور

استفاده می کند.

یادداشتها:

۱ - Edgar Allan Poe

۲ - James Brander Matthews

۳ - The Philosophy of the Short Story

۴ - William Sydney Porter, Pen Name: O. Henry

۵ - Gay de Maupassant

۶ - Structure

۷ - Satire

۸ - Symbol

کتابشناسی:

- امین ، سید حسن (۱۳۸۴ ش) ادبیات معاصر ایران، انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی، تهران، ایران
- پهلوی، محمد رضا (س.ن)، بوی تمدن بزرگ، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، با همکاری کتابخانه پهلوی، تهران
- تمیم داری، احمد (۱۳۷۹ ش) داستانهای ایرانی، کتابخانه حوزه هنری، تهران
- دانشور، سیمین (۱۳۲۷ ش) آتش خاموش، کتابفروشی چاپخانه علی اکبر علمی، تهران
- همو (۱۳۵۹ ش) به کی سلام کنم؟، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (۱۳۷۲ ش) جزیره سرگردانی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (۱۳۸۰ ش) ساریان سرگردانی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران

- همو (۱۳۶۹ش) سووشون، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (۱۳۷۵ش)، شناخت و تحسین هنر، کتاب سیامک، تهران
- همو (۱۳۴۰ش) شهری چون بهشت، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (۱۳۶۰) غروب جلال، نشر خرم، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۸۲ش) باغ آلبالو، نشر قطره، کتابخانه ملی ایران، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۷۳ش) بنال وطن (نوشته آلن پیتون)، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۷۵ش) داغ ننگ (نوشته ناتانیل هاو ثورن)، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۲۸ش) سرباز شکلاتی (نوشته برنارد شا)، مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر، چاپخانه دانشگاه، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۸۰ش) کمدی انسانی (نوشته ویلیام سارویان)، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (مترجم) (۱۳۸۲ش) ماه عسل آفتابی (نوشته نویسندگان مختلف)، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲ش) چهل داستان کوتاه ایرانی از چهل نویسنده معاصر ایران، انتشارات نیما، تهران
- روزبه، محمد رضا (۱۳۸۸ش) ادبیات معاصر ایران - نشر، نشر روزگار، تهران
- زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۵۱ش) یادداشت ها و اندیشه ها، از مقالات: نقدها و اشارات، سازمان انتشارات جاویدان، تهران
- سلیم اختر (۱۳۷۰م/۱۹۹۱ش) افسانه اور افسانه نگار - تنقیدی مطالعه (اردو)، سنگ میل، لاهور

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷ش)، نقد ادبی، انتشارات فردوس، تهران
- عابدینی، حسن (۱۳۶۹ش) صد سال داستان نویسی در ایران، کتابخانه ملی، تهران
- میر صادقی، جمال (س.ن) ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان)، مؤسسه فرهنگی ماهر، تهران
- هادی، محمد، (۱۳۷۴ش) روش شناسی نقد ادبیات کودکان، انتشارات سروش، تهران